

تاج فرشته

جلد اول

تتمه از کتاب

تتمه

مجموعه کتب و نسخ و اسناد و دستاویز

تتمه کتب و نسخ و اسناد و دستاویز

کتابخانه و اسناد و دستاویز



کتابخانه و اسناد و دستاویز
۱۳۲۷



سرشناسه	فرشته، محمد قاسم بن خلامعلی ۹۹۶۰ ق - ۱۰۲۳.
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ فرشته / تألیف محمد قاسم هندوشاه استرآبادی؛ تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمد رضا نصیری.
مشخصات نشر	تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	ج ۴.
فروست	سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۱۵۰۰ ۱۵۰۱ ۱۵۰۲ ۱۵۰۳.
شابک	۷۰۰۰۰ ریال؛ دوره: ۷-۱۵۱-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸ ج ۱؛ ۱-۱۵۳-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸ ج ۲؛ ۲-۱۵۶-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸ ج ۳؛ ۳-۱۵۹-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸ ج ۴؛ ۴-۱۵۲-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸ ج ۵.
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
پادداشت	کتابنامه.
مدرجات	ج ۱. از آغاز تا بابر. -- ج ۲. از بابر تا عادلشاهیان. -- ج ۳. عادلشاهیان، نظام شاهیان. -- ج ۴. قطب شاهیان، حماد شاهیان، کریم شاهیان.
موضوع	مغولان هند -- تاریخ.
موضوع	اسلام -- هند -- تاریخ.
موضوع	هند -- تاریخ -- ۱۷۶۱ - ۶۶.
شناسه افزوده	نصیری، محمد رضا. - ۱۳۲۴.
رده بندی کنگره	DS۱۳۸۹ ت۲ ۱۳۴-۱۳۲۴.
رده بندی دیویی	۹۵۲/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	۸۳-۲۷۰۸

تاریخ فرشته

جلد اول

از آغاز تا بابر



محمد قاسم هندو شاه استرآبادی

تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات

دکتر محمد رضا نصیری



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۷

سلسلة انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

شماره ۵۰۰

تاریخ فرشته (جلد اول)

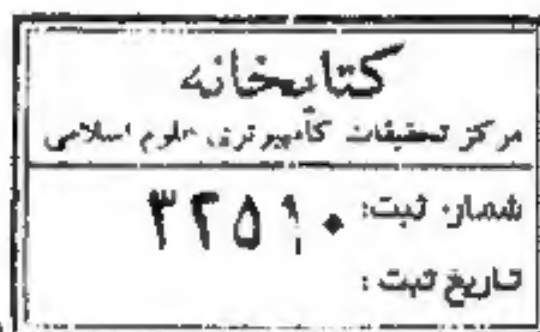
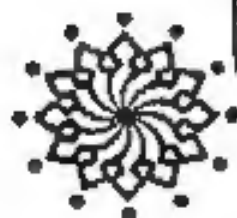
از آغاز تا بابر

● تألیف: محمد قاسم هندو شاه استرآبادی ● تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات:
دکتر محمدرضا نصیری ● ویراستار: حکیمه دسترنجی ● ناظر فنی چاپ:
کیانوش بیرونوند ● لیتوگرافی: باختر ● چاپ: دالاهو ● صحافی: سبزآری ● نوبت چاپ:
اول ۱۳۸۷ ● شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ● همه حقوق محفوظ است

● شابک دورما: ۹۷۸-۹۶۲-۵۲۸-۱۵۱-۷ ISBN (Vol. Set): 978-964-528-153-7

● شابک: ۹۷۸-۹۶۲-۵۲۸-۱۵۳-۱ ISBN: 978-964-528-153-1

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهادر - خیابان سرگرد بشیری
شماره ۱۰۰ - تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس: ۵۵۳۷۴۵۳۰
دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان
فروردین - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۴ - تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قیمت دوره چهار جلدی: ۷۰۰۰۰ تومان

قیمت جلد اول: ۱۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار	پازده - چهل و چهار
نورسستان کلام قدیم	۱
مقدمه (در معتقدات اهل هند و بیان کیفیت ظهور اسلام در آن بلاد)	۱۱
ذکر فرزندان سام بن نوح (علیه السلام)	۲۹
ذکر فرزندان یافث	۲۹
ذکر فرزندان حام و کیفیت مملکت هند بر سبیل اختصار	۳۰
ذکر حکومت کِشن	۳۱
ذکر حکومت مهاراج بن کِشن	۳۱
ذکر حکومت کیشوراج بن مهاراج	۳۴
ذکر حکومت فیروز رای ولد کیشوراج	۳۴
شرح تفویض نمودن رستم دارایی هند را به سورج	۳۵
رواج شیوه بت پرستی	۳۶
ذکر راجگی بهراج بن سورج	۳۷
ذکر راجگی کیدار برهمن	۳۷
ذکر حکومت شنگل	۳۸
آمدن افراسیاب به هند و خلاص ساختن پیران ویسه را	۳۹
راجگی دادن افراسیاب رُیت پسر شنگل را	۳۹
ذکر راجگی مهاراج کچواکه	۴۰

۴۰	ذکر حکومت کیدراج
۴۱	ذکر راجگی جیچند
۴۲	خروج راجه دهلو
۴۲	حکومت راجه نور
۴۳	خروج راجه جوته
۴۴	ذکر راجه کلیان چند
۴۴	ذکر حکومت راجه دادگستر راجه بکرماجیت
۴۶	ذکر حکومت راجه بهوج
۴۷	آمدن بهرام به هند
۴۷	ذکر حکومت و راجگی رام دیو و اتھور
۵۰	ذکر پرتاب چند سنسودیه
۵۱	ذکر راجه آند دیو و اجپوت
۵۲	اما ظهیر اسلام در بلاد هندوستان چنین است

مقاله اول

۵۹	در بیان سلاطین لاهور که مشهورند به سلاطین غزنویه ذکر سلطنت امیر ناصرالدین سبکتگین
۶۲	فتح حصار قصدار
۷۲	ذکر اسماعیل بن امیر ناصرالدین سبکتگین
۷۳	شکت امیر اسماعیل
۷۴	ذکر وقایع ایام دولت امین الملک یحیی الدوله سلطان محمود غزنوی
۸۲	غزو ملتان
۸۴	ذکر مخالفت ایلک خان با سلطان محمود غزنوی
۸۵	جنگ سلطان محمود و ایلک خان
۹۰	فتح مملکت غور
۹۲	فتح مکه الاسلام ملتان

تاج فرشته

جلد اول

تذکره نواب

تقیف

محمد محمود شاه

نسخه خطی و نقوش

کتابخانه خاندان



کتابخانه خاندان



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نظم

دکس از ارم روسما خواستستب که از عدل عا، شه ار استسب
 ز عدش چنار گشت اهو دلبر که چون مردمک رفت در چشم شیر
 در عشمید حور شد عدش چنان که شد آت سحیر سونبروار
 پناه جهان گشت این تاج و سحت ز دوی زمین فسه سرست رحت
 زهی عدل برور شه بی همال که گور گم کند بچه حود هیرال
 گند بر بس باحن لیسیر بی^۱ گسر نگردد از بیستانش پی
 گر حاجت افتد به خواب گرس تدار ساحت بر ریذة پاسبان^۲
 به حسب عظم حان و صاات ای کشورستان و دهور شکر طهر پخر و
 بسطت ولایت حیران، تهورق او بر سایر بهلاصی دکر از شائبة شک و ریب مصوب
 اس، و به اشاعة عد و کرم به قدر و منزلتش از مرتبة خود شنید جهشت افروز^۳
 دات قدسی صفانش^۴ به کسوت عباات روی معلّم و عنصر لطفش به خویر سیرانی
 انهم

فرد

آنچه او دید از جلال و مرست خاقان ندید و آنچه او کرد از کمال معدلت دارا نکرد^۵

بنامی

عد جلال لیس فوق حلاله لا جلال الله جل جلاله
 و له فوق لیس فوق نواله الا کوال الله عم نواله^۶

۱. من بینة سوم و چهارم را بدارد ۲. می درین نفس کرده، نوعی شکجه است

۳. پشت من بیست آخر را بدارد، ۴. بی، صفاست ۵. بی، صفت ۶. بی، بیست و بدارد

۷. پ. بدارد بی عربی

۸. ترجمه: «لا جلالی بود جلال او مگر جلال خدا که برتر است جلال او و . . . بحسبی است که برتر از
 بخشش بیست مگر بخشش خدا، که بخشش او تمام است»

همواره در مجلس بهشت بین و سدی حکمت آرد و شعری شعری شعری
 سماع و ناظر، و مطربان خوش الحان دستار سر و بدله گویان شریک و با همکین دان
 وقف و حصر از سبوم قهر^۱ و صرصر سدا سشن معهوراب سرکش پای در دما
 ابرو پیچیده، چون برگ سدر بهب سدا مصطرب و لرب و روهم نایره مهبتش
 گردن کشان سرودوش سر موم از ش محرق و گدازان در عهد فرخنده عداقتش
 اهو در کنار پلنگ نه فرع نال و ماهی در حوار ۴۱ بهنگ مرقه بحال، کنور و بار همرا
 و گنجشک با عباد هم خصص، عذر درگاه عرش اشهادش بربای دیده سپهر و
 شمعنه قبه چتر فلک سایش سوز ماه و مهر، نعل سمد ثری^۲ و قوس برق رعدارش
 حننه گوش کیحسرو و حمشه، و شمسه قصر هفت سدن پیکر ره و حورشند
 حصر در مقامش مهبط انوار الهامات پیمدنی و طبیعت پاکیره سرشش مرود آثار
 فیوضات ربانی^۳

نظم

سپهر صدر و بهر اوج سس گمراهی ذر سحر سرش
 صمیرش مهبط اسرار توفیق کلامش کاشف سرور تحقیق
 کس نیست درگاه، محمد غاسم مددوشده [استرآبدی]^۴ لمشهور به فرشته در
 شمسایه^۵ فروغ جوش حمد و سی که صمیر انوار شمع و نقود مدح و معانی
 است عرضه می دارد که در عنود جراحی در اندک احمدگر^۶ گاه گهی سرش
 آسمانی به گوش هوش این گسترش مراد انسانی می رسد که بی نقش طراز
 نگارستان رعد و یرمگه بر گرجا^۷ چاه^۸ چوب شکر و سپهر معنوی
 حق پرست می الحقیقه حمد و شکر دادر جهد افرین سب سزاوار نکه کبابی
 مشتمل بر وقعات پادشاهان سلام و حالات مشایخ عظام که نظام ظاهری و باطنی

۱. به از ۲. شمسایه مداد ۳. به از ۴. به از ۵. به از ۶. به از ۷. به از ۸. به از

۹. به از ۱۰. به از ۱۱. به از ۱۲. به از ۱۳. به از ۱۴. به از ۱۵. به از

ممالک هند و سیال و سسه به دستاری عظم قدسی مثر این دو طایفه آسمان آستان
 بوده و هست تصنیف نمایی و بنابر آنکه کتب و قبیح سلاطین عظم الشان هندوستان
 چنانکه دل می جو بست در ب ممکنست به هم نمی رسند، هیولای این معنی به ردی
 صورت بسته در معرض عویق افتادند آنکه در سسه ثمان و تسعین و ستمانه [۹۹۸ /
 ۱۵۸۹م] از حمد دیگر به دارالسلسله بیجاپور رسیده به خدمت دمروی سریر دکن
 حدیو قدرشاس سخن مشرف گشت و چون آن حضرت را میل تمام به سر
 معروی ست و پیوسته به مطامعه کتب تاریخ اشتعال دارد، هرآینه آن عطیه
 بخش چهارم به گونه گونه تقدم بر حبه، گفت سرور بیدگی ت آن است که مانده
 بی قلم در تحریر صحائف موقوف اصطیاف حول قدسی مثر همایون و و جمع
 پادشاهان عرصه هندوستان و ملایح این دیار کمر حمایت بر میزد چون بسته
 کتب حمله واسطی بزار در مبدان فصاحت حولان فرمایی و عوامن صفت
 حواهر زوهری که شبنان هد از پرو فروغش روشن گردد از دریای فکرت
 رورده ریت بخش گوش هوش گردد بی گاهی به ستیری با عیان طبع که شو و نما
 یافته چمن مراحم حسروی سب گشتای بیار که بسلاز مریستان معنی دوی بوا
 سب گردید و گاهی به مددگری بهد سب حاضر که طفل دیش امور دسبب عبات
 پادشاهی است قصر دلاویزی طرح نما که فرهادمنش از چاشنی شکر
 شیرین کاری ش شیرین کام گردند می می عصار^۲ کردار دکانی سازه که قدسی روحان
 به حرید بی متاعش بر در بند و سیمه است باطی بگسر که هشتی طبراب به
 تمر جش پر بر^۳ به شهشده بدین سبب در فیض بخشی و من را حدم سبشار
 مرحمتش در باده نوشی، خدمتش در سجده طاعت داده [ربان]^۴ و گمار نمنا و
 اطفاء برگشام و گشم کوب که طبع انکم به لحدی دل گشته، حادشم به کلام

۱ پ تذکره از ش ابزوده شد. ۲ پ. عصار. ۳ پ. بدرد. از غی ابزوده شد.

۴ پ. بدرد. از غی ابزوده شد.

درین بر، آخته‌اند و طیلان کتمان بر سر کشیده بر بستر فنا خوابیده‌اند خود را
مقابل آورد، و تالیف خود را ستایش کردند از راه رسم دب دور است، هواییه مهر
سکوت بر لب می‌نهد و بدین قدر گستاخی علم حسرت می‌هرزد که بخته پرور
معدنه شناس دانند و شناسند که این نسخه گرامی را با مصنفات اکابر همایست
امیرن است که کعبه را با بیت المقدس و عی را، محمد، و لله در عالم

بیت

سر در سخن گرچه آن پایه سبب و می خدای طهرت شک می‌بست^۱
اسد که این شاهد ساد، عدار که اریب و رست نکلمات می‌شینه عری ست و
این گوهر شب چرخ که از ترصیع عبارات دبیرانه^۲ بری است، منظور بطر عیان
سطحی گردیده در اطراف جهان به یاد [صبا]^۳ هم عیان شود و این نقد تمام عبار در
چار سوی جهان دایح و شایع گردد و اساسی گیتی که در حین ۱۶ تالیف بن کذب در
نظر بود بر این نهج است

ترجمه مصنی، رین الاخبار^۴، تاج العاثر، طبقات ناصری، ملحقات شرح حسین الدین
بیجاپوری، تاریخ فیروزشاهی، فیروحات فیروزشاهی، وقعات دبری، واقعات همایونی،
تاریخ مبارک شاهی، تاریخ نامه منصور شیخ آذری، سراج التواریخ همی
تألیف ملا محمد لاری، تحفة السلاطین همی تألیف ملا دود بیدری، روضة الصفا،
حسب السیر، تاریخ الهی تألیف استادی ملا احمد نقوی، تاریخ حاجی محمد
قندهاری، طبقات محمودشاهی گجراتی، تاریخ مظفرشاهی گجراتی، کتاب مآثر
محمودشاهی گجراتی، تاریخ بهادرشاهی گجراتی، تاریخ محمودشاهی برنگ مالدوی،
تاریخ محمودشاهی خرد مالدوی، تاریخ نظام الدین احمد محضی، تاریخ سگاله، تاریخ
سند، تاریخ کشمیر، نسخة فوید الفزود، نسخة خیر المجاس، نسخة سیر العارفين شیخ

۱. بیت علی را با محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خوانند، ترجمه و پادشاه گزیده با خداست

۲. ب. مصرع دوم ندارد. ۳. به پیری، ۴. به، داور، از غن، فرود شد

۵. به ترجمه رین الاخبار همی.

جمالی شاهر، نسخه منقح

و تمهید این مجموعه بر مقدمه و دوازده مقاله و خاتمه است.

مقدمه کیمت ظهور اسلام؛

مقاله اول: در ذکر سلاطین: لاهور،

مقاله دوم: در ذکر سلاطین: دهلی،

مقاله سوم: در ذکر سلاطین: دکن،

مقاله چهارم: در ذکر سلاطین: گجرات؛

مقاله پنجم: در ذکر سلاطین: مالوه؛

مقاله ششم: در ذکر سلاطین: حیدرآباد،

مقاله هفتم: در ذکر سلاطین: بنگاله،

مقاله هشتم: در ذکر سلاطین: ملتان،

مقاله نهم: در ذکر سلاطین: سند؛

مقاله دهم: در ذکر سلاطین: کشمیر،

مقاله یازدهم: در ذکر سلاطین: ملیبار^۱؛

مقاله دوازدهم: در ذکر حالات مشایخ هندوستان؛

خاتمه در ذکر کیفیت هند و غیره^۲

۱. من. مبار = ملیبار = مدیه.

۲. من. مطالب بین علامت [] را ندارد. من. مطالب بین علامت [] قبل از ذکر منابع آمده است. از پت
نکمیل شد.

مقدمه

در معتقدات اهل هند و بیان کیفیت طهور اسلام در آب بلاد

بدان که کتاب مهاتماست که مسوودتر و معتبرتر از آب در این دور، در میان این صیغه
است، آن را شیخ ابو یوسف بن شیخ مبارک در زمان پادشاه جمشاه^۱، کبر پادشاه،
عادت هندی به فارسی ترجمه کرده است و از یک لک بیت مجاور است.
گفته این بطور طریق ابحار پیش گرفته خلاصه آن را در این مقدمه می نماید تا
مستحبران آثار، من اوله الی آخره، مستفید باشند.

مجموعی نماد که در ممالک هند چه از خانواده حکمت و چه از مره ریاضت و
چه از صاحب فقه در کیفیت آفرینش عالم اختلاف کرده اند، از آن جمله سزده
طریق در کتب مذهب مذکور است و پیش استدلالات، هیچ که ام از آب قبل نیست
که حاضر تحقیق طب را، طمیس^۲ بخشد و در دواکار قدری بار آورد

نظم

مردشته کوا و آفرینش دیدن نتوان به چشم بهش

۱. هند من، جلال محمد اکبر، ۲. جمشاه مالک الزمان، ۳. من، من، طس، هند من

یوز دشته قصه به دجستان بافت^۱ کشورا سر و شسته ای توان یافت

سرور شنه قسودت حسدایی هر کس نکند گسره گشایی

مدار گردد در روزگار بوقیمور به عنهد هن عهد^۲ بر چهار دو است یکی
ست حوگ^۳، دوم حوگ^۴، سوم دو بر حوگ^۵، چهارم کلحوگ^۶، هر گاه در کحوگ
تند شود یا از سر بودو ست حوگ د و منتهی به کحوگ گردد و عی هذا
انفس، همیشه خوان چهار بر بن موان بوده، اعد و اسه شای پدا است و
د یکی رکست معتبره به نظر آمده که شخصی از صحت سبوی مدو و العرس^۷ و
فوق العرش پرسند که با امر بمؤمن، پیش ادم به سی هر سال که بوده ست؟
از حصر حو بر داده که دم و چون این معنی سی مونه بکا بافت ان شخص
ساکت شده بر د، پیش فکند شاه ولایت پده بر بدن مازک اورد که [۱۷] گرسی
هراد بار می پرسیدی که پیش از ادم که بود می گفتم ادم از پنجاه نیر کهنگی عالم
استیاض می توان نمود و قوا همدان را محض نودت نمی توان دست و گفته
عصی ر رحمة سلف مسهاد می گردد که عالم منتهی می شود^۸ و رور حشر و بشر
حق است و ما فقی و محققین ایش این سخنان د و این می کنند به همه حال،
مدت ست حوگ همدلک و ست^۹ هر سال معریف است و د و و صاع
چهار سال بر صلاح و سداد است و وصیع و شریف و عی و فشرار مسائلک ستر و
د سنی و برصفت انهن تجاور نمی نمایند و عمر طبعی ایشان در بن عهد یک لک
سال عرفی ست شخبار الله العلی العظم^{۱۰} بر چه سحر است و چه عمر است

۱ پند س، نافه، ۲ پند س، به عهد باطن هر د

۳ حوگ یعنی زمانه، عصر، دوره، یک دور مجرمی Salyug=Salug

4 Treta ug= Tretayug 5. Duwaparyug = Duwaparjug 6. Kalyug = Kajug

۷ پند س، عهدون العرش ۸ می نمی بود ۹ پند س، پند و هب

۱۰ رحمة خداوند پاک و سرور بلندمرتبه است.

نظم

زین بشهره کهن به حریم که یامت ماهیت اسر جشش و آرام که یام
اندیشه در این طلسم سر بسته خط است آغاز جهش که دید و انعام که یامت

و مدت دایم بر پیا جوگ دو رده لک و بودوشش هزار سال معارف است و در این
زمانه سه حصه وضع اسمیان به مقصدی رضای الهی است و عمر طبیعی پشاده
هزار سال معروف است و دور سوّم که عبارت از دُر پر جوگ باشد هشت لک و
شصت و چهار هزار سال متداول است در این عصر روش جهانی در دست
گفتری و رست کرداری است و عمر طبیعی مرده هزار سال مشهور است و عمر
حضرت^۱ ده و نوح را اثنای^۲ که هزار^۳ و قریب به هزار سال شأن می دهد،
اهل عالم عورتی کب و می گویند چون پشاد در رنج و دو دور پر جوگ بوده اند
عمر ایشان بن قدر بوده و مدت دور چهارم، یعنی کل جوگ چهار لک و سی و دو هزار
سال معارف است از این سال در سه حصه، طور عامیان بر راستی و درستی
است^۴ و عمر صمیمی در این عهد صد سال است و صبیطة نام هر دور آن است که
مقد کل جوگ هر گاه مضاعف شود مدت دایم دُر پر جوگ است و هر گاه مقدار
کل جوگ بر دایم جوگ اضافه گردد مدت بر پیا جوگ باشد و هر گاه مقدار کل جوگ بر
ترب جوگ برده شود مدت است جوگ است و به حساب هل شده، الحال که تاریخ
هجرت رسالت پید، محمّدی، صبی له علیه و له و سلم، به هزار و نوره^۵ رسید
ست در دور کل جوگ چهار هزار و شصت و هشت سال سپری گشته
است زهی کهنگی عالم و جوی طرفگی عالمیان

نظم

سر رشته عالم کهن پیدا نیست زین کهنه صحیفه^۶ یک سخن پیدا نیست

۱. غریب مود باها ۲. پشاده هزار سال، ۳. پید، نادره، از طری اضایه شد، ۴. پند می، پانزده.

۵. پند می، چهار ۶. پید می، صحیفه کهنه

همه چشند به گیرد بین جهان می گردم زین چنین گردان سر و پن پید نیست
 آقا اهل هند است که حضور باری نخست پنج عصر فرد چهاره شهور و
 بمحرم یعنی آگاس، بعد از آن شخصی تجرد سعادتی، دانش بزرگی را که مسمی
 به برهمناس است به اختلاف روایات از کتب عدم به جلوه گاه وجود آورد و او را وسیله
 بدیع آفرینش و سبب اتحاد عالم ساحت و مواد از عنصر آگاس عوام هند می گویند
 آسمان است و خواص ایشان [۸] تکدیاب ایر می نمایند و می گویند که حکمای هند
 قایل به وجود آسمان نیستند و آنچه مرثو می گردد همین هواست و کواکب، ذرات
 قدسیه بزرگان سبب است که به وسیله ریاضت نفس الامریه و عبادت قدسیه،
 نورانی هاکن و روحانی بیکر شده اند و بحلق به اخلاق الهی و شبه به اوصاف
 سبحانی پید کرده بر مدارج ارتقا ضروری می نمایند. [۹] به ادب نفسیه در عالم
 علوی طبران می فرماید. بعضی به [مرتبه] کمال رسیده اند، ستاره های بزرگ شده
 مرکز به عالم سفلی رجوع نمی نمایند، و بعضی که دون مرتبه کمال اند به ندر حال
 بر آسمان بلندی رسیده اند، ضروری مرده بار به عالم سفلی مراجعت می کنند. [۱۰]
 عنصر آگاس چنانچه در کتب مسبوخ ایشان مذکور است معنی دیگر دارد و بر آنجا
 معلوم نمایند که بیان آن در اینجا [موجب] تطوین است.

شعر

بر هر سر سوک خامه حرمی دگم است و آن در بسین به یهر ز می دگر است
 از حرف نگار این گره نگشاید دانستی^۱ این را از شگرفی دگر است
 و برهما انسان را به ادن خالق از مکمل حنا نه مضه صهور آورده، چهار گروه ساخت،
 برهنه، کهتری، پس، سودر طايفة اول را به جهت محامدات و ریاضات و حفظ
 احکام و ضبط حدود معین ساخته، پیشوایین معنوی به آنها موصول گردانید و گروه

۱ به یاد آورده از غنای آورده شد ۲ هر چه مطالب ہیں { پس از دشواری آمده است.

۳ به سوره، از غنای آورده شد ۴ به سوره، دانسته

بانی را به جهت ریاست و حکومه، صورتی نصیحت فرموده و از آن پس علم صهری به این داده و در این نظام عالی، گردید و طایفه ثلث به جهت رابع و مکسب و سایر جزوف تعیین کرده، جماعت رابع را به جهت اقسام خدمت معین ساخت و به منصای تأییدات بهی و بهایابی، سرهمای مدکو کنای که متصمّر صلاح معاش و معاد شده و هو آورده که در سده می باشد و به الهی الهی عقل تحرّک شعر و قابو که کثرت در به حیوت حیات و حداب دار ورده انتظام بحساس خلاق و صیوف هو بهی دهد، محتاج کرده در صوابط چند و مسائل معدوم اندراج کرده به کتاب بهی مشهور صاحب علوم بناس را مهار در بیی شده، عیسی از پیش و شیمی از پس بوده در معاور لم ولا نگه شسته، سائک طرق مستقیم باشند و کتاب پید صد هزار اشوک سب و اشوک عیوب سب از چهار خبر و [خبر] کمر را یک آچهر و ریده از بسب و شش آچهر بهی باشد و، چهار یک حرف را گویند و دو حرف بی سائک و به تفق و انایان هند عمر گرامی این عجز به، لخالق، که محتاج کتاب مذکور است، صد سال است، لیک صد سال غیر عربی چه در سال و را سبب و شمسیت روز شدن می دهد و هر روزی مشتمل بر چهار هزار دور مذکور و هر شش به دستور روز متضمّن هزار آچوگ مسطور و به اتفاق دانشوران بر همه تا این زمان که قلم مشکین رقم در تسوید بر بیض است، چندین بر همه، بی حد و شمسیت در عالم ظهور مده و در پرده خفا خرمیده و رشتات^۱ شنیده شده که این برهمای [۹] موجود هر و کم سب و عمر او پنجاه سال و سم و برگذشته و شروع در نصف روز میان پنجاه و یکم است

شوی

ای در جهان دژهای از ده نسو هیچ تر از هیچ به درگاه تو

1 Ashlok

۲ بهی سازد، از غی افراده شد ۳ پسته می، چهارمزل ۴ بی، راهبه نقاب

و کورت ما را به درت راه نیست جز تو کس از سر نو آگاه نیست
 ، لک در چارگی نه خردش معترف آییم به بفسان خویش
 بر درت ای مایه دو زندگی^۱ پیشه ما نیست به جز بندگی

حاملان حکمت و باقلال، دایمیت چمن بار آمده مد که در نصف آخر دُو پر خوگی
 در هندوستان در شهر هستاپور راجه کهنری^۲ بود که بر سر بر رعیت پروری شده،
 د گستری می کرد و دم می آن راجه بهرب^۳ بود بعد آنکه هند فریب [ار او]،
 بعضاً بعد بصری، فرما برویی پادشاه به خلوتخانه محبت شد هند، در مرتبه هم ر سل
 و فریدی به ظهور آمد که اسم سامی او راجه کور^۴ بود و کورکشت تهاپسر^۵، که
 شهری سرگ... به اسم او اشتیوار^۶ دارد و اولاد سلطنت او را کوروا^۷
 می نامیدند و بعد ر شش واسطه فریدی ر او موالد شده به جتربهوج^۸ موسوم
 گشت و ر جتربهوج گشت^۹ او ر دو پسر به وجود آمدند یکی دهتر شتر^{۱۰} و دیگری
 پند^{۱۱} گرچه دهتر شتر پسر کلار بود لیکن به واسطه سدم بصر ر دست و ر حگی
 به برادر خود، که پند باشد، یعنی گرتب و برگی و چنان ر حد و اداره گد سب که
 فریدان و راه سب او خوانده پندوان^{۱۲} گشتند و پند ر پنج پسر بود خدشتر^{۱۳} و

۱. پ. بندگی

۲. مقصود پادشاه که ساس سنگم راه بین پند و برکند. دیوی نمود و سبک بر همه ر پاک
 بهاد در آمد (مهابهارت، ۱، ۱۲۸)

3. Raja Bharat

۴. پ: سار، در ض اخروجه شد کور - کورو Kaurav

۵. تهاپسر = تانسر Thanesar ر جمع سدها به دیوت تهاپسر و تانسر شده سب که می بکنان سب
 متن تهاپسر گزیده شد

7 Kauravan

۸. جتربهوج = چنربج Chaturabhu ۹. دهتر شتر Dahirashtra = دهرت راکشتر Darhishashtra

۱۰. پ: س بند

11. Pandwan

۱۲. جدشتر = Jadashtra = پدشتر Yadhishtra

پنجم سین و اژن^۱ و مادر ایشار^۲ کنتی^۳ نام داشت و ناکل^۴ و سهندو^۵ مادر
ایشه مسحات به مادر^۶ بود. و دهتر^۷ ستر را صد و یک پسر بود صد پسر از
گندهاری^۸ که دختر رجه^۹ فندهر بود، متولد شدند و بزرگ ایشه خرجودهن^{۱۰} نام
داشت، و یک پسر دیگر ججهتش^{۱۱} نام داشت، از نال رتی به وجود آمده و کورو^{۱۲}
مشهور عمارت از این پسران است.

الفصله جوب به قضای انصافی پند، رحمت هستی به عالم به کشید حکومت،
به صورت، در جبهه دهتر شیر آمد و، به معنی، سلطنت نصیب فریدان و بود.
علی الخصوص، خرجوده، که مهیر ولاد و بود، و خرجوده، راجا که
دشمن گردی در بین سلطنت. ضروریات است و دفع^۱ معشای در شریعت
حفاظت، مرصت، ز بدوای متوهم گشته در فکر استیصال پش شد و دهتر^۲ شیر
بیر محاصرت با جماعت فهمیده حکم فرمود که بدو دورتر از شهر جبهه راست
کشد و دایره باشد، شد بد به و سعه بعد مکنه در عذارب تحقیقی رود و
خرجوده^۳ به ستادان و بیایان شده فرمود که سقف و جداران آن منزل را زلک
وقیر بپوشند^۴ به بزرگ شعله^۵ آتش سرپای خانه سوخته و بدو^۶ به حر
حاکمتر نهاد و بشیر بر معنی فهمیده حاضر خود می بودند تا نسی پندوان خود
به خانه مدکیر بشده تا واده خود^۷ داشت و صحر^۸ پیش^۹ گرفتند و نهیل^{۱۰}
نام می که به پنج پسر خود و حاکم خرجوده^{۱۱} جهت آتش زدن در آن منزل می بودند.

1. Bheemsen 2. Arjun 3. Kunti 4. Nakul 5. Sahdev 6. Madur

۷ گندهاری (Gandhari) = گندهاری - گانداری.

۸ خرجوده = Ajodhan در بودی Duryodhan نام دیگر راجا Satak می باشد (مهابهارت، ۲، ۱۰)

۹ من جیس م ۱۰/۱۵/۹۷ پیروچه مهابهارت، ۱۰/۲۲/۱ جیجی yuyatsu ۱۰ پ ۱۰ الف

۱۱ بدو به لک لاکهر و غیر بگیرند. ۱۲ بدو ش در در از پت هراده شد.

۱۳ پند بهین نام زن صالعه: Rheel

به خط جَدشتر رسیده که جگر جَسوی بکند و جگر جَسوی عیار رَن سب که شنی عصم برافروزد و قسام خوشبویی ها و میوه ها و سله ها و سایر اجناس دیگر جمع نموده در نور حنیئه اُم اعد صبره که بش باشد، اندرند و انواع تصدقات و اصفاف سزات به صهور رسانیده، بدین امر تقرب به درگاه احدیت جویند و یکی از شرط جگر راجه وی عیار، از آن است که رجه های هفت اقلیم جمع مده لوازم خدمات این بخش به تقدیم رسانند بدین، جَدشتر هر چهار بر در خود را به جهت تسخیر بقیة اقلیم به چهار جهت هدم تعیین فرموده، به مشیت حضرت و هب لعطیه ابن آرزو در مدک رمبو به حصول پیوست و برادران کاروان کافرما به بدرقه حدود نمایند هبی سیر عاتم فرموده: سلاصین روزگار و فرما بروایان و شهر دگان هر دیار، ارخت و روم و حبشه و عرب و صحم و ماوراءالنهر و سایر معموره عالم را به خرابیس سیر در پایتخت اندر پست آورده به مهمات جگر جَسوی پرداختند و چنانکه در مورخواست اَصْوَرات احصام یافت، چهره دهی از مشاهدات بن دوت و درایان و بن عظمت و فرمانروایی به مقتضای شریعت از کار و استر حسد، که در کون حب محتفی بوده، مشتعل گشته از محیلال روزگار بدبیر آن جُست در آن عهد چون هم بخش روح تمام داشت، کمترین سوری را اقب ساختند و فرزدادند که جرجوده بن جَدشتر و دیگر [۱۱] برادران قمار کند پس به خُسن ملاحت و بدبیر، پندوان و به هسندپور طلبیده^۱، بعد از دی مراسم ضیافت، بازی تپوری در میان آورد و چون کمترین باراست بود نقشی که می خواست می ورد و به بن حریق ملک و مال و پندوان به تمام بُرد^۲ و پندوان را چون در سرکار چیزی به بد، دست بحر شرط بستند که اگر پندوان ببیند آنچه به و داده اند همه را واپس گیرند و اگر کوروان سرمد، هر یسه، پندوان دورده سن معموره و گداشته

۱. به من کمترین تپوری که مانند بره نوعی از قمار است

۲. پند من از اندرهم که به پنجاب ایشاد بود به هسندپور طلبیده به مراسم

۳. برای اطلاع بیشتر رکن سیهارث، ۱/ ۱۹۶-۱۹۷ و ۲۴۵-۲۵۵

گزارندگان افاول می نمایند^۱ که در این کارزار بزرگ، یازده کوهن^۲ لشکر جانب کوروان بود و هفت کوهن جانب پندوان، و کوهن به اصطلاح هندیان عبارت است از بیست و یک هزار و هشتصد و هفتاد شخص فیل سوار و مطابق این عدد از ابه سوار، شصت هزار و سیصد و سه^۳ شخص اسب سوار و یک لک و نه هزار و سیصد و پنجاه پیاده. و این قتال عجیب و جنگ غریب در میان هژده روز واقع شد و از همه طرفه تر آنکه از جانب غالب و مغلوب زیاده از دوازده کس زنده نماندند. چهار نفر از لشکر جرجودهن جان به سلامت، برده در سلک سپاه ظفرپناه منتظم گشتند، یکی هرچاره^۴ برهمن که استاد فریقین و صاحب السیف و القلم بود، دوم اشوتهمان پسر حکیم درون که او نیز استاد فریقین بود، سوم کِرت برمان^۵ که از جماعت جادوان^۶ بود، چهارم اسنجی که با وجود وفور دانش به هلبان دهراشتر مذکور بود. و از جانب پندوان هشت نفر از گرداب هلاک به ساحل نجات آمدند. پنج برادر که جدشتر و غیره باشند، ششم سائک [۱۲] که از قوم جادوان^۷ به مردانگی و فرزاندگی اشتهار داشت، هفتم حججش، که برادر غیر مادری جرجودهن بود،^۸ هشتم کِشن که از کمال شهرت مستفنی از بیان است. لیکن برخی از احوال او می نویسند که مولد کِشن شهر منهوره^۹ است و اهل هند را در باب او اعتقادات است. بعضی او را سردفتر مزوران عالم و سرور محیلان افراد یمنی آدم نشان می دهند و بعضی اعتقاد به پیغمبری او می کنند و برخی او را به خدایی نسبت می دهند. مشهور است که اخترشناسان بی سعادتی های او از زایچه طالع دانسته

۱. م. ۱۱/۱، ن. ۷/۱ اعتقاد هندو بر آن است. ۲. کوهن Kohen م. همانجا، ن. ۴، همانجا: کشون.

۳. همانجا، ن. همانجا: شصت و پنج هزار و شصت و هشتاد و شصت هزار و شصت و ده.

۴. همانجا، ن. همانجا: کر یا چارچ. ۵. پندکرت برنا. ۶. همانجا، ن. همانجا: یادوان.

۷. م. ۱۱/۱، ن. ۷/۱ یا هوان. ۸. پند برادر جرجودهن غیر مادری.

۹. Mathura م. همانجا، مهتر، منهره، ن. همانجا، مهتر. = منهوره = مهرا.

خبر به راجه کَنس^۱، که رئیس جادوان بود، دادند و او حکم برگشتن کَنس کرد. کَنس در منزل نند^۲ نام، که شعار شیرفروشی و گارداری^۳ داشت، بازده سال متواری گشت و آخر الامر به مکر و گریز و طلسمات و شعبدات راجه کَنس را کشته اسم سلطنت پر او گرسین پدر او نهاد و خود به معنی حکومت صوری می نمود، و رفته رفته به دستیاری نیرنجات، بل به محض تزویرات دعوی الرهبت کرد و جمعی کثیر از بی عقلی و بی فهمی و چه از حرص و لئبسی تصدین دعوی باطل او نمودند. و مدت سی و دو سال بعد از برآمدن از خانه نند، در بلده متهوره، به اویاشی گذرانید و طرفگی ها و افسانه های بدیع از وی مشهور است. آخر الامر راجه جروسنگ از ولایت بهار و پته با لشکر بسیار به فصد هلاک ری متوجه متهوره شد و از جانب مغرب نیز کالیون^۴ نام، راجه ای از ملیجهان^۵، یعنی از طایفه ای که نه به آیین دین هند برد، متوجه دفع او گردید. در روایتی آن است که این راجه عربستان بود. به همه حال، کَنس تاب مقاومت این در راجه در خود ندیده به دوارکا^۶، که در کنار آب شور^۷ است و در صد کوهی احمد آباد گجرات است، رفته متحصن شد و هفتاد و هشت سال در آن حدود مقیم بوده، در خلاصی خود سعی می نمود و سودی نمی کرد تا آنکه وقتی از عمرش صد و بیست و پنج سال گذشت، به واسطه نفرین گندهاری^۸ مادر جرجودهن، به اقیع طریق، مسافرا راه عدم گردید. و زمره ای را عقیده آن است که او غایب شده هنوز زنده است و چون سبب نفرین گندهاری را امری غریب مذکور ساخته اند به شرح آن می پردازد.

1. Kaus 2. Nand

3. Dwarka

۵ به: ملجهات.

4. Kalyan

۳، ۱۱/۸، ۱۲/۸، ۱۳/۸، ۱۴/۸، ۱۵/۸، ۱۶/۸، ۱۷/۸، ۱۸/۸، ۱۹/۸، ۲۰/۸، ۲۱/۸، ۲۲/۸، ۲۳/۸، ۲۴/۸، ۲۵/۸، ۲۶/۸، ۲۷/۸، ۲۸/۸، ۲۹/۸، ۳۰/۸، ۳۱/۸، ۳۲/۸، ۳۳/۸، ۳۴/۸، ۳۵/۸، ۳۶/۸، ۳۷/۸، ۳۸/۸، ۳۹/۸، ۴۰/۸، ۴۱/۸، ۴۲/۸، ۴۳/۸، ۴۴/۸، ۴۵/۸، ۴۶/۸، ۴۷/۸، ۴۸/۸، ۴۹/۸، ۵۰/۸، ۵۱/۸، ۵۲/۸، ۵۳/۸، ۵۴/۸، ۵۵/۸، ۵۶/۸، ۵۷/۸، ۵۸/۸، ۵۹/۸، ۶۰/۸، ۶۱/۸، ۶۲/۸، ۶۳/۸، ۶۴/۸، ۶۵/۸، ۶۶/۸، ۶۷/۸، ۶۸/۸، ۶۹/۸، ۷۰/۸، ۷۱/۸، ۷۲/۸، ۷۳/۸، ۷۴/۸، ۷۵/۸، ۷۶/۸، ۷۷/۸، ۷۸/۸، ۷۹/۸، ۸۰/۸، ۸۱/۸، ۸۲/۸، ۸۳/۸، ۸۴/۸، ۸۵/۸، ۸۶/۸، ۸۷/۸، ۸۸/۸، ۸۹/۸، ۹۰/۸، ۹۱/۸، ۹۲/۸، ۹۳/۸، ۹۴/۸، ۹۵/۸، ۹۶/۸، ۹۷/۸، ۹۸/۸، ۹۹/۸، ۱۰۰/۸، ۱۰۱/۸، ۱۰۲/۸، ۱۰۳/۸، ۱۰۴/۸، ۱۰۵/۸، ۱۰۶/۸، ۱۰۷/۸، ۱۰۸/۸، ۱۰۹/۸، ۱۱۰/۸، ۱۱۱/۸، ۱۱۲/۸، ۱۱۳/۸، ۱۱۴/۸، ۱۱۵/۸، ۱۱۶/۸، ۱۱۷/۸، ۱۱۸/۸، ۱۱۹/۸، ۱۲۰/۸، ۱۲۱/۸، ۱۲۲/۸، ۱۲۳/۸، ۱۲۴/۸، ۱۲۵/۸، ۱۲۶/۸، ۱۲۷/۸، ۱۲۸/۸، ۱۲۹/۸، ۱۳۰/۸، ۱۳۱/۸، ۱۳۲/۸، ۱۳۳/۸، ۱۳۴/۸، ۱۳۵/۸، ۱۳۶/۸، ۱۳۷/۸، ۱۳۸/۸، ۱۳۹/۸، ۱۴۰/۸، ۱۴۱/۸، ۱۴۲/۸، ۱۴۳/۸، ۱۴۴/۸، ۱۴۵/۸، ۱۴۶/۸، ۱۴۷/۸، ۱۴۸/۸، ۱۴۹/۸، ۱۵۰/۸، ۱۵۱/۸، ۱۵۲/۸، ۱۵۳/۸، ۱۵۴/۸، ۱۵۵/۸، ۱۵۶/۸، ۱۵۷/۸، ۱۵۸/۸، ۱۵۹/۸، ۱۶۰/۸، ۱۶۱/۸، ۱۶۲/۸، ۱۶۳/۸، ۱۶۴/۸، ۱۶۵/۸، ۱۶۶/۸، ۱۶۷/۸، ۱۶۸/۸، ۱۶۹/۸، ۱۷۰/۸، ۱۷۱/۸، ۱۷۲/۸، ۱۷۳/۸، ۱۷۴/۸، ۱۷۵/۸، ۱۷۶/۸، ۱۷۷/۸، ۱۷۸/۸، ۱۷۹/۸، ۱۸۰/۸، ۱۸۱/۸، ۱۸۲/۸، ۱۸۳/۸، ۱۸۴/۸، ۱۸۵/۸، ۱۸۶/۸، ۱۸۷/۸، ۱۸۸/۸، ۱۸۹/۸، ۱۹۰/۸، ۱۹۱/۸، ۱۹۲/۸، ۱۹۳/۸، ۱۹۴/۸، ۱۹۵/۸، ۱۹۶/۸، ۱۹۷/۸، ۱۹۸/۸، ۱۹۹/۸، ۲۰۰/۸، ۲۰۱/۸، ۲۰۲/۸، ۲۰۳/۸، ۲۰۴/۸، ۲۰۵/۸، ۲۰۶/۸، ۲۰۷/۸، ۲۰۸/۸، ۲۰۹/۸، ۲۱۰/۸، ۲۱۱/۸، ۲۱۲/۸، ۲۱۳/۸، ۲۱۴/۸، ۲۱۵/۸، ۲۱۶/۸، ۲۱۷/۸، ۲۱۸/۸، ۲۱۹/۸، ۲۲۰/۸، ۲۲۱/۸، ۲۲۲/۸، ۲۲۳/۸، ۲۲۴/۸، ۲۲۵/۸، ۲۲۶/۸، ۲۲۷/۸، ۲۲۸/۸، ۲۲۹/۸، ۲۳۰/۸، ۲۳۱/۸، ۲۳۲/۸، ۲۳۳/۸، ۲۳۴/۸، ۲۳۵/۸، ۲۳۶/۸، ۲۳۷/۸، ۲۳۸/۸، ۲۳۹/۸، ۲۴۰/۸، ۲۴۱/۸، ۲۴۲/۸، ۲۴۳/۸، ۲۴۴/۸، ۲۴۵/۸، ۲۴۶/۸، ۲۴۷/۸، ۲۴۸/۸، ۲۴۹/۸، ۲۵۰/۸، ۲۵۱/۸، ۲۵۲/۸، ۲۵۳/۸، ۲۵۴/۸، ۲۵۵/۸، ۲۵۶/۸، ۲۵۷/۸، ۲۵۸/۸، ۲۵۹/۸، ۲۶۰/۸، ۲۶۱/۸، ۲۶۲/۸، ۲۶۳/۸، ۲۶۴/۸، ۲۶۵/۸، ۲۶۶/۸، ۲۶۷/۸، ۲۶۸/۸، ۲۶۹/۸، ۲۷۰/۸، ۲۷۱/۸، ۲۷۲/۸، ۲۷۳/۸، ۲۷۴/۸، ۲۷۵/۸، ۲۷۶/۸، ۲۷۷/۸، ۲۷۸/۸، ۲۷۹/۸، ۲۸۰/۸، ۲۸۱/۸، ۲۸۲/۸، ۲۸۳/۸، ۲۸۴/۸، ۲۸۵/۸، ۲۸۶/۸، ۲۸۷/۸، ۲۸۸/۸، ۲۸۹/۸، ۲۹۰/۸، ۲۹۱/۸، ۲۹۲/۸، ۲۹۳/۸، ۲۹۴/۸، ۲۹۵/۸، ۲۹۶/۸، ۲۹۷/۸، ۲۹۸/۸، ۲۹۹/۸، ۳۰۰/۸، ۳۰۱/۸، ۳۰۲/۸، ۳۰۳/۸، ۳۰۴/۸، ۳۰۵/۸، ۳۰۶/۸، ۳۰۷/۸، ۳۰۸/۸، ۳۰۹/۸، ۳۱۰/۸، ۳۱۱/۸، ۳۱۲/۸، ۳۱۳/۸، ۳۱۴/۸، ۳۱۵/۸، ۳۱۶/۸، ۳۱۷/۸، ۳۱۸/۸، ۳۱۹/۸، ۳۲۰/۸، ۳۲۱/۸، ۳۲۲/۸، ۳۲۳/۸، ۳۲۴/۸، ۳۲۵/۸، ۳۲۶/۸، ۳۲۷/۸، ۳۲۸/۸، ۳۲۹/۸، ۳۳۰/۸، ۳۳۱/۸، ۳۳۲/۸، ۳۳۳/۸، ۳۳۴/۸، ۳۳۵/۸، ۳۳۶/۸، ۳۳۷/۸، ۳۳۸/۸، ۳۳۹/۸، ۳۴۰/۸، ۳۴۱/۸، ۳۴۲/۸، ۳۴۳/۸، ۳۴۴/۸، ۳۴۵/۸، ۳۴۶/۸، ۳۴۷/۸، ۳۴۸/۸، ۳۴۹/۸، ۳۵۰/۸، ۳۵۱/۸، ۳۵۲/۸، ۳۵۳/۸، ۳۵۴/۸، ۳۵۵/۸، ۳۵۶/۸، ۳۵۷/۸، ۳۵۸/۸، ۳۵۹/۸، ۳۶۰/۸، ۳۶۱/۸، ۳۶۲/۸، ۳۶۳/۸، ۳۶۴/۸، ۳۶۵/۸، ۳۶۶/۸، ۳۶۷/۸، ۳۶۸/۸، ۳۶۹/۸، ۳۷۰/۸، ۳۷۱/۸، ۳۷۲/۸، ۳۷۳/۸، ۳۷۴/۸، ۳۷۵/۸، ۳۷۶/۸، ۳۷۷/۸، ۳۷۸/۸، ۳۷۹/۸، ۳۸۰/۸، ۳۸۱/۸، ۳۸۲/۸، ۳۸۳/۸، ۳۸۴/۸، ۳۸۵/۸، ۳۸۶/۸، ۳۸۷/۸، ۳۸۸/۸، ۳۸۹/۸، ۳۹۰/۸، ۳۹۱/۸، ۳۹۲/۸، ۳۹۳/۸، ۳۹۴/۸، ۳۹۵/۸، ۳۹۶/۸، ۳۹۷/۸، ۳۹۸/۸، ۳۹۹/۸، ۴۰۰/۸، ۴۰۱/۸، ۴۰۲/۸، ۴۰۳/۸، ۴۰۴/۸، ۴۰۵/۸، ۴۰۶/۸، ۴۰۷/۸، ۴۰۸/۸، ۴۰۹/۸، ۴۱۰/۸، ۴۱۱/۸، ۴۱۲/۸، ۴۱۳/۸، ۴۱۴/۸، ۴۱۵/۸، ۴۱۶/۸، ۴۱۷/۸، ۴۱۸/۸، ۴۱۹/۸، ۴۲۰/۸، ۴۲۱/۸، ۴۲۲/۸، ۴۲۳/۸، ۴۲۴/۸، ۴۲۵/۸، ۴۲۶/۸، ۴۲۷/۸، ۴۲۸/۸، ۴۲۹/۸، ۴۳۰/۸، ۴۳۱/۸، ۴۳۲/۸، ۴۳۳/۸، ۴۳۴/۸، ۴۳۵/۸، ۴۳۶/۸، ۴۳۷/۸، ۴۳۸/۸، ۴۳۹/۸، ۴۴۰/۸، ۴۴۱/۸، ۴۴۲/۸، ۴۴۳/۸، ۴۴۴/۸، ۴۴۵/۸، ۴۴۶/۸، ۴۴۷/۸، ۴۴۸/۸، ۴۴۹/۸، ۴۵۰/۸، ۴۵۱/۸، ۴۵۲/۸، ۴۵۳/۸، ۴۵۴/۸، ۴۵۵/۸، ۴۵۶/۸، ۴۵۷/۸، ۴۵۸/۸، ۴۵۹/۸، ۴۶۰/۸، ۴۶۱/۸، ۴۶۲/۸، ۴۶۳/۸، ۴۶۴/۸، ۴۶۵/۸، ۴۶۶/۸، ۴۶۷/۸، ۴۶۸/۸، ۴۶۹/۸، ۴۷۰/۸، ۴۷۱/۸، ۴۷۲/۸، ۴۷۳/۸، ۴۷۴/۸، ۴۷۵/۸، ۴۷۶/۸، ۴۷۷/۸، ۴۷۸/۸، ۴۷۹/۸، ۴۸۰/۸، ۴۸۱/۸، ۴۸۲/۸، ۴۸۳/۸، ۴۸۴/۸، ۴۸۵/۸، ۴۸۶/۸، ۴۸۷/۸، ۴۸۸/۸، ۴۸۹/۸، ۴۹۰/۸، ۴۹۱/۸، ۴۹۲/۸، ۴۹۳/۸، ۴۹۴/۸، ۴۹۵/۸، ۴۹۶/۸، ۴۹۷/۸، ۴۹۸/۸، ۴۹۹/۸، ۵۰۰/۸، ۵۰۱/۸، ۵۰۲/۸، ۵۰۳/۸، ۵۰۴/۸، ۵۰۵/۸، ۵۰۶/۸، ۵۰۷/۸، ۵۰۸/۸، ۵۰۹/۸، ۵۱۰/۸، ۵۱۱/۸، ۵۱۲/۸، ۵۱۳/۸، ۵۱۴/۸، ۵۱۵/۸، ۵۱۶/۸، ۵۱۷/۸، ۵۱۸/۸، ۵۱۹/۸، ۵۲۰/۸، ۵۲۱/۸، ۵۲۲/۸، ۵۲۳/۸، ۵۲۴/۸، ۵۲۵/۸، ۵۲۶/۸، ۵۲۷/۸، ۵۲۸/۸، ۵۲۹/۸، ۵۳۰/۸، ۵۳۱/۸، ۵۳۲/۸، ۵۳۳/۸، ۵۳۴/۸، ۵۳۵/۸، ۵۳۶/۸، ۵۳۷/۸، ۵۳۸/۸، ۵۳۹/۸، ۵۴۰/۸، ۵۴۱/۸، ۵۴۲/۸، ۵۴۳/۸، ۵۴۴/۸، ۵۴۵/۸، ۵۴۶/۸، ۵۴۷/۸، ۵۴۸/۸، ۵۴۹/۸، ۵۵۰/۸، ۵۵۱/۸، ۵۵۲/۸، ۵۵۳/۸، ۵۵۴/۸، ۵۵۵/۸، ۵۵۶/۸، ۵۵۷/۸، ۵۵۸/۸، ۵۵۹/۸، ۵۶۰/۸، ۵۶۱/۸، ۵۶۲/۸، ۵۶۳/۸، ۵۶۴/۸، ۵۶۵/۸، ۵۶۶/۸، ۵۶۷/۸، ۵۶۸/۸، ۵۶۹/۸، ۵۷۰/۸، ۵۷۱/۸، ۵۷۲/۸، ۵۷۳/۸، ۵۷۴/۸، ۵۷۵/۸، ۵۷۶/۸، ۵۷۷/۸، ۵۷۸/۸، ۵۷۹/۸، ۵۸۰/۸، ۵۸۱/۸، ۵۸۲/۸، ۵۸۳/۸، ۵۸۴/۸، ۵۸۵/۸، ۵۸۶/۸، ۵۸۷/۸، ۵۸۸/۸، ۵۸۹/۸، ۵۹۰/۸، ۵۹۱/۸، ۵۹۲/۸، ۵۹۳/۸، ۵۹۴/۸، ۵۹۵/۸، ۵۹۶/۸، ۵۹۷/۸، ۵۹۸/۸، ۵۹۹/۸، ۶۰۰/۸، ۶۰۱/۸، ۶۰۲/۸، ۶۰۳/۸، ۶۰۴/۸، ۶۰۵/۸، ۶۰۶/۸، ۶۰۷/۸، ۶۰۸/۸، ۶۰۹/۸، ۶۱۰/۸، ۶۱۱/۸، ۶۱۲/۸، ۶۱۳/۸، ۶۱۴/۸، ۶۱۵/۸، ۶۱۶/۸، ۶۱۷/۸، ۶۱۸/۸، ۶۱۹/۸، ۶۲۰/۸، ۶۲۱/۸، ۶۲۲/۸، ۶۲۳/۸، ۶۲۴/۸، ۶۲۵/۸، ۶۲۶/۸، ۶۲۷/۸، ۶۲۸/۸، ۶۲۹/۸، ۶۳۰/۸، ۶۳۱/۸، ۶۳۲/۸، ۶۳۳/۸، ۶۳۴/۸، ۶۳۵/۸، ۶۳۶/۸، ۶۳۷/۸، ۶۳۸/۸، ۶۳۹/۸، ۶۴۰/۸، ۶۴۱/۸، ۶۴۲/۸، ۶۴۳/۸، ۶۴۴/۸، ۶۴۵/۸، ۶۴۶/۸، ۶۴۷/۸، ۶۴۸/۸، ۶۴۹/۸، ۶۵۰/۸، ۶۵۱/۸، ۶۵۲/۸، ۶۵۳/۸، ۶۵۴/۸، ۶۵۵/۸، ۶۵۶/۸، ۶۵۷/۸، ۶۵۸/۸، ۶۵۹/۸، ۶۶۰/۸، ۶۶۱/۸، ۶۶۲/۸، ۶۶۳/۸، ۶۶۴/۸، ۶۶۵/۸، ۶۶۶/۸، ۶۶۷/۸، ۶۶۸/۸، ۶۶۹/۸، ۶۷۰/۸، ۶۷۱/۸، ۶۷۲/۸، ۶۷۳/۸، ۶۷۴/۸، ۶۷۵/۸، ۶۷۶/۸، ۶۷۷/۸، ۶۷۸/۸، ۶۷۹/۸، ۶۸۰/۸، ۶۸۱/۸، ۶۸۲/۸، ۶۸۳/۸، ۶۸۴/۸، ۶۸۵/۸، ۶۸۶/۸، ۶۸۷/۸، ۶۸۸/۸، ۶۸۹/۸، ۶۹۰/۸، ۶۹۱/۸، ۶۹۲/۸، ۶۹۳/۸، ۶۹۴/۸، ۶۹۵/۸، ۶۹۶/۸، ۶۹۷/۸، ۶۹۸/۸، ۶۹۹/۸، ۷۰۰/۸، ۷۰۱/۸، ۷۰۲/۸، ۷۰۳/۸، ۷۰۴/۸، ۷۰۵/۸، ۷۰۶/۸، ۷۰۷/۸، ۷۰۸/۸، ۷۰۹/۸، ۷۱۰/۸، ۷۱۱/۸، ۷۱۲/۸، ۷۱۳/۸، ۷۱۴/۸، ۷۱۵/۸، ۷۱۶/۸، ۷۱۷/۸، ۷۱۸/۸، ۷۱۹/۸، ۷۲۰/۸، ۷۲۱/۸، ۷۲۲/۸، ۷۲۳/۸، ۷۲۴/۸، ۷۲۵/۸، ۷۲۶/۸، ۷۲۷/۸، ۷۲۸/۸، ۷۲۹/۸، ۷۳۰/۸، ۷۳۱/۸، ۷۳۲/۸، ۷۳۳/۸، ۷۳۴/۸، ۷۳۵/۸، ۷۳۶/۸، ۷۳۷/۸، ۷۳۸/۸، ۷۳۹/۸، ۷۴۰/۸، ۷۴۱/۸، ۷۴۲/۸، ۷۴۳/۸، ۷۴۴/۸، ۷۴۵/۸، ۷۴۶/۸، ۷۴۷/۸، ۷۴۸/۸، ۷۴۹/۸، ۷۵۰/۸، ۷۵۱/۸، ۷۵۲/۸، ۷۵۳/۸، ۷۵۴/۸، ۷۵۵/۸، ۷۵۶/۸، ۷۵۷/۸، ۷۵۸/۸، ۷۵۹/۸، ۷۶۰/۸، ۷۶۱/۸، ۷۶۲/۸، ۷۶۳/۸، ۷۶۴/۸، ۷۶۵/۸، ۷۶۶/۸، ۷۶۷/۸، ۷۶۸/۸، ۷۶۹/۸، ۷۷۰/۸، ۷۷۱/۸، ۷۷۲/۸، ۷۷۳/۸، ۷۷۴/۸، ۷۷۵/۸، ۷۷۶/۸، ۷۷۷/۸، ۷۷۸/۸، ۷۷۹/۸، ۷۸۰/۸، ۷۸۱/۸، ۷۸۲/۸، ۷۸۳/۸، ۷۸۴/۸، ۷۸۵/۸، ۷۸۶/۸، ۷۸۷/۸، ۷۸۸/۸، ۷۸۹/۸، ۷۹۰/۸، ۷۹۱/۸، ۷۹۲/۸، ۷۹۳/۸، ۷۹۴/۸، ۷۹۵/۸، ۷۹۶/۸، ۷۹۷/۸، ۷۹۸/۸، ۷۹۹/۸، ۸۰۰/۸، ۸۰۱/۸، ۸۰۲/۸، ۸۰۳/۸، ۸۰۴/۸، ۸۰۵/۸، ۸۰۶/۸، ۸۰۷/۸، ۸۰۸/۸، ۸۰۹/۸، ۸۱۰/۸، ۸۱۱/۸، ۸۱۲/۸، ۸۱۳/۸، ۸۱۴/۸، ۸۱۵/۸، ۸۱۶/۸، ۸۱۷/۸، ۸۱۸/۸، ۸۱۹/۸، ۸۲۰/۸، ۸۲۱/۸، ۸۲۲/۸، ۸۲۳/۸، ۸۲۴/۸، ۸۲۵/۸، ۸۲۶/۸، ۸۲۷/۸، ۸۲۸/۸، ۸۲۹/۸، ۸۳۰/۸، ۸۳۱/۸، ۸۳۲/۸، ۸۳۳/۸، ۸۳۴/۸، ۸۳۵/۸، ۸۳۶/۸، ۸۳۷/۸، ۸۳۸/۸، ۸۳۹/۸، ۸۴۰/۸، ۸۴۱/۸، ۸۴۲/۸، ۸۴۳/۸، ۸۴۴/۸، ۸۴۵/۸، ۸۴۶/۸، ۸۴۷/۸، ۸۴۸/۸، ۸۴۹/۸، ۸۵۰/۸، ۸۵۱/۸، ۸۵۲/۸، ۸۵۳/۸، ۸۵۴/۸، ۸۵۵/۸، ۸۵۶/۸، ۸۵۷/۸، ۸۵۸/۸، ۸۵۹/۸، ۸۶۰/۸، ۸۶۱/۸، ۸۶۲/۸، ۸۶۳/۸، ۸۶۴/۸، ۸۶۵/۸، ۸۶۶/۸، ۸۶۷/۸، ۸۶۸/۸، ۸۶۹/۸، ۸۷۰/۸، ۸۷۱/۸، ۸۷۲/۸، ۸۷۳/۸، ۸۷۴/۸، ۸۷۵/۸، ۸۷۶/۸، ۸۷۷/۸، ۸۷۸/۸، ۸۷۹/۸، ۸۸۰/۸، ۸۸۱/۸، ۸۸۲/۸، ۸۸۳/۸، ۸۸۴/۸، ۸۸۵/۸، ۸۸۶/۸، ۸۸۷/۸، ۸۸۸/۸، ۸۸۹/۸، ۸۹۰/۸، ۸۹۱/۸، ۸۹۲/۸، ۸۹۳/۸، ۸۹۴/۸، ۸۹۵/۸، ۸۹۶/۸، ۸۹۷/۸، ۸۹۸/۸، ۸۹۹/۸، ۹۰۰/۸، ۹۰۱/۸، ۹۰۲/۸، ۹۰۳/۸، ۹۰۴/۸، ۹۰۵/۸، ۹۰۶/۸، ۹۰۷/۸، ۹۰۸/۸، ۹۰۹/۸، ۹۱۰/۸، ۹۱۱/۸، ۹۱۲/۸، ۹۱۳/۸، ۹۱۴/۸، ۹۱۵/۸، ۹۱۶/۸، ۹۱۷/۸، ۹۱۸/۸، ۹۱۹/۸، ۹۲۰/۸، ۹۲۱/۸، ۹۲۲/۸، ۹۲۳/۸، ۹۲۴/۸، ۹۲۵/۸، ۹۲۶/۸، ۹۲۷/۸، ۹۲۸/۸، ۹۲۹/۸، ۹۳۰/۸، ۹۳۱/۸، ۹۳۲/۸، ۹۳۳/۸، ۹۳۴/۸، ۹۳۵/۸، ۹۳۶/۸، ۹۳۷/۸، ۹۳۸/۸، ۹۳۹/۸، ۹۴۰/۸، ۹۴۱/۸، ۹۴۲/۸، ۹۴۳/۸، ۹۴۴/۸، ۹۴۵/۸، ۹۴۶/۸، ۹۴۷/۸، ۹۴۸/۸، ۹۴۹/۸، ۹۵۰/۸، ۹۵۱/۸، ۹۵۲/۸، ۹۵۳/۸، ۹۵۴/۸، ۹۵۵/۸، ۹۵۶/۸، ۹۵۷/۸، ۹۵۸/۸، ۹۵۹/۸، ۹۶۰/۸، ۹۶۱/۸، ۹۶۲/۸، ۹۶۳/۸، ۹۶۴/۸، ۹۶۵/۸، ۹۶۶/۸، ۹۶۷/۸، ۹۶۸/۸، ۹۶۹/۸، ۹۷۰/۸، ۹۷۱/۸، ۹۷۲/۸، ۹۷۳/۸، ۹۷۴/۸، ۹۷۵/۸، ۹۷۶/۸، ۹۷۷/۸، ۹۷۸/۸، ۹۷۹/۸، ۹۸۰/۸، ۹۸۱/۸، ۹۸۲/۸، ۹۸۳/۸، ۹۸۴/۸، ۹۸۵/۸، ۹۸۶/۸، ۹۸۷/۸، ۹۸۸/۸، ۹۸۹/۸، ۹۹۰/۸، ۹۹۱/۸، ۹۹۲/۸، ۹۹۳/۸، ۹۹۴/۸، ۹۹۵/۸، ۹۹۶/۸، ۹۹۷/۸، ۹۹۸/۸، ۹۹۹/۸، ۱۰۰۰/۸، ۱۰۰۱/۸، ۱۰۰۲/۸، ۱۰۰۳/۸، ۱۰۰۴/۸، ۱۰۰۵/۸، ۱۰۰۶/۸، ۱۰۰۷/۸، ۱۰۰۸/۸، ۱۰۰۹/۸، ۱۰۱۰/۸، ۱۰۱۱/۸، ۱۰۱۲/۸، ۱۰۱۳/۸، ۱۰۱۴/۸، ۱۰۱۵/۸، ۱۰۱۶/۸، ۱۰۱۷/۸، ۱۰۱۸/۸، ۱۰۱۹/۸، ۱۰۲۰/۸، ۱۰۲۱/۸، ۱۰۲۲/۸، ۱۰۲۳/۸، ۱۰۲۴/۸، ۱۰۲۵/۸، ۱۰۲۶/۸، ۱۰۲۷/۸، ۱۰۲۸/۸، ۱۰۲۹/۸، ۱۰۳۰/۸، ۱۰۳۱/۸، ۱۰۳۲/۸، ۱۰۳۳/۸، ۱۰۳۴/۸، ۱۰۳۵/۸، ۱۰۳۶/۸، ۱۰۳۷/۸، ۱۰۳۸/۸، ۱۰۳۹/۸، ۱۰۴۰/۸، ۱۰۴۱/۸، ۱۰۴۲/۸، ۱۰۴۳/۸، ۱۰۴۴/۸، ۱۰۴۵/۸، ۱۰۴۶/۸، ۱۰۴۷/۸، ۱۰۴۸/۸، ۱۰۴۹/۸، ۱۰۵۰/۸، ۱۰۵۱/۸، ۱۰۵۲/۸، ۱۰۵۳/۸، ۱۰۵۴/۸، ۱۰۵۵/۸، ۱۰۵۶/۸، ۱۰۵۷/۸، ۱۰۵۸/۸، ۱۰۵۹/۸، ۱۰۶۰/۸، ۱۰۶۱/۸، ۱۰۶۲/

آورده‌اند که چون وضع حملش نزدیک شد، به خاطر گذرانید که شوهرم دهنراشتر بنا بر عدم بصر از دیدار فرزند بی بهره است، آن به که من نیز چشم از دیدن فرزند در دنیا و مافیها ببندم و با شوی همدرد باشم. پس روزی که جرجود من خواست از کتم عدم به وجود آید چشم جهان بین بست. و همچنین سال ها چشم بسته داشت تا آنکه پسر بزرگ شده با پندوان مخاصمت کرد و از طرفین در مقام لشکرکشی شده با جهان جهان سپاه رو به حریگاه نهادند و بعد به قُرب مبدل گشته قرار یافت که فردا مبارزت نمایند. پسر را گفت: «ای قرّة العین، تو چشم والدین، وجود فرزند را پسان سلاح منین از جمیع آفات و جملّة بلیّات مصون و محروس می دارد. فردا که شروع در کارزار خواهد شد چون تن نازنینت از این جرشن عاری است اندیشه مندم که مبادا به تو آسیبی رسد. پس برهنه حاضر آی تا چشم گشودم بر وجودت نظر افکنم.» جرجود من طریق ملازمت پرسید. گفت: «ای پسر هیچ کس در عقل و دانش و فضل و بینش و راستی و درستی در این زمان مانند پندوان نیست، به خدمت ایشان شتافته استفسار نما.» جرجود من تنها به ملازمت پندوان رفته سبب آمدن باز گفت. ایشان لوازم مهمانداری به جای آوردند و با وجود آنکه می دانستند اعدا عدو است سر رشته صلاح و سداد از کف نداده سخن راستی در میان آوردند و گفتند: «فرزند از بطن مادر برهنه به وجود می آید و چشم ابون هم در همان آن بر روی می افتد و چون این اولین دفعه است که مادر تو را می خواهد ببیند همانا امروز روز نخستین تولّد توست، صواب آنکه عربان شده به حضور مادر روی تا نور نظرش بر سر و پای وجودت افتاده از بلیّات محفوظ سازد.» جرجود من اوداع کرده عازم مراجعت گشت. در اننای راه یکشن بدو دچار شده پرسید که تنها به لشکر خصم آمدن را سبب چه بود؟ جرجود من ماجرا شرح داد. یکشن با خود گفت: وایلا، اگر او به گفته پندوان عمل نماید رو بین تن گشته هیچ حریه بر روی کارگر نیاید

و دمار از ما برآورد. پس به قهقهه از مکاری و پرکاری خندیده گفت: «ای نادان هرآنکه از خصمان طریق صواب جوید و راه سداد پوید یقین که در چاه خطا افتد. ایشان با تو استهزا کرده آن دم که به وجود آمدی عضو تناسل از غایت شردی و حقارت خوب مرئی نبود، اکنون که ماصدق جزو اعظم از کُل شده چگونه بی محابا به مادر خواهی نمود؟» جرجودهن از این سخن غافل فریب و گول خورده دست توصل به دامن وی مستحکم ساخت و کِشَن گفت: آنچه پندوان گفته‌اند خوب است، لیکن حمایل‌های طویل الذیل کُل در گردن افکن تا عضو تناسل پوشیده شود. جرجودهن همچنان کرد و مقابل مادر رفته گفت: اینک آمدم چشم بگشا. مادر به گمان آنکه از پندوان تعلیم گرفته باشد و یقین که آنها بد نگفته باشند پی دغدغه چشم بگشاید و چون حمایل کُل به نظر در آمد نمره بزد و بیهوش افتاد. بعد از آنکه به هوش آمد عظیم بنالید و گفت: ای پسر تجویز حمایل کُل پندوان کرده‌اند؟ گفت: لاوالله، کِشَن کرده. گندهاری دست به دعای بد برداشته به سوز تمام کِشَن را نفرین کرد و دست دریغ برهم سوده گفت: «ای پسر، برهمین موضع که از نور نظرم مستور مانده حربه کارگر آمده به قتل رسی و روز نبرد همچنان که گندهاری خبر داده بود حربه بر موضع مذکور آمده به قتل رسید^۱ و کِشَن نیز چنانچه سابقاً مذکور شد، به گوناگون عقوبات راه عدم پیش گرفت [۲].»

القصة، جدشتر بعد از مظفر گشتن، حاکم مستقل شد و دیگر بار به مرور و تدریج فرمانروای عالم گردید و چون سی و شش سال از این نَصّه گذشت جدشتر به پدرفه توفیقات یزدانی حقیقت بی وفایی دنیای بی وفا دریافته پیش از آنکه او در مقام ادبار درآید ترک فاحشه دنیا کرده به رفاقت هر چهار برادر طریق تجرد اختیار کرد و در آخر مسافرت دارالامن ملک عدم اختیار فرمود.

۱. م. ۱۲۹، ذ. «ای پسر... به قتل رسید» ندارد.

۲. پد. ش: مطالب بین [] از ص ۲۴ به بعد را ندارد. از بت نقل شد.